عنوان:

**حرص و خواری**

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-b-93 |
| موضوع |  |
| رده | علمی/ادبیات عرب/بلاغت/کمک‌آموزشی/جواهر البلاغة/سؤال و تمرین |
| برچسب | حرص، ذلت، معانی ابواب، باب افعال، استعاره، «لکن»، حرف ابتدا، استدارک، اغراض تقیید |
| توضیحات | 1. محتوای این فایل، پاسخ به [تمرین 163](https://eitaa.com/karbordeelm/882) از تمارین [کانال کاربرد علوم حوزوی](https://eitaa.com/karbordeelm) در پیام‌رسان ایتا است.  2. در توليد اين فايل از نرم‌افزارهای ادبیات عرب و قاموس اللغة و جامع الاحاديث متعلق به مرکز تحقيقات کامپيوتری علوم اسلامی استفاده شده است. |

عن امیر المؤمنین علیه السلام: الحرص لایزید فی الرزق و لکن یذل القدر[[1]](#footnote-1)

**تمرین:**

1. غرض از تقیید به لکن چیست؟

2. ایا تعلق اذلال به قدر حقیقی است؟

**پاسخ:**

1. بنابر ابتدائیه و استدراکیه بودن لکن و نه عاطفه بودن آن کما هو الظاهر [[2]](#footnote-2) شبهه در این استدراک این است که رزق و قدر چه ارتباطی باهم دارند؟ ظاهراً در پاسخ این اشکال باید در نظر گرفت که هردو امور مطلوب انسان است و خبر فرض را بر این گرفته که مستمع از الحرص لایزید فی الرزق چنین بفهمد که حرص فقط اثر مثبت ندارد اما اثر منفی هم ندارد لذا با آمدن لکن استدراک شده و این ذهنیت غلط از مخاطب اصلاح شده است تا بداند حرص علاوه بر نداشتن آثار مثبت، برخی آثار منفی هم دارد و الله اعلم.

2. ذلّت، وصف انسان است و آن کمی قدر اوست. در کتب لغت، متعلق ذلّت را چه در ثلاثی مجرد و چه در مشتقات آن فرد گرفته‌اند و نه وصف منزلت و قدرش لکن در غالب موارد امکان مجاز در اسناد هست که می تواند فوق العاده برای پژوهش‌گر غلط انداز باشد مانند أذلّه که می توان گفت أذلّ قدره و همچنین در استذلّه. مقابله آن با عزّت و مقایسه آن با هوان در منابعی مانند «التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، ج‏3، ص: 352 الفرق بین الاذلال و الاهانة» نیز دلیل قاطعی برای رد احتمال حقیقی بودن اسناد ذلّت به قدر نیست زیرا عزت و هوان را نیز می توان به قدر نسبت داد لکن مجموع قرائن و تراکم استعمالات نشان می دهد که موضوع له لفظ ذلّ و مشتقات آن خفّت جایگاه فرد است و نه خفّت مطلق خصوصا موردی مثل این مطلب که در الإفصاح، ج‏1، ص: 631 آمده و می‌گوید و أذلّ‏ فلان: صار أصحابه‏ أذِلّاء و تقدیرش حسب معانی باب افعال این است صار فلان ذا ذلّة و من المعلوم ان ذلّة اصحاب الرجل ذلّته و هذه الاضافة الاخیرة ان قلنا بان متعلق الذلّة قدر الرجال دون انفسهم تحتاج الی تأویل اکثر فان خفّة قدر اصحاب الرجل لیست خفّته نفسه علی ما أسند إلیه في هذا الفعل بل خفّة قدره فافهم پس دراین روایت که اذلال به قدر نسبت داده شده است – والله العالم- استعاره روی داده است گویا قدر و جایگاه فرد برای او مانند یکی از خویشاوندان تلقی شده است که توسط حرص تحقیر می‌شود و فائده این استعاره برجسته‌کردن جایگاه کرامتی انسان برای اوست تا مخاطبین حساسیت بیشتری به آن داشته باشند و اراده‌شان را برای مبارزه با حرص بیشتر جمع کنند.

1. . غرر الحكم و درر الكلم، ص: 102 [↑](#footnote-ref-1)
2. . ینبغی مراجعة مغني اللبيب، ج‏1، ص: 292 [↑](#footnote-ref-2)